

تار و پود يك حکم اعدام

در اجرای عدالت و دادرسی فقط باید واقع و حقیقت را در نظر گرفت .
هرگز نباید حقیقت فدای تشریفات و مقررات گردد .

بارها این مطلب گفته شده و باز هم تکرار آن مفید خواهد بود که در يك داد رسی جزائی سعی دادرس باید فقط کشف حقیقت باشد گاه اتفاق می افتد که آئین دادرسی یا پاره ای دیگر از مقررات موضوعه (که صرفاً برای کمک و ارشاد براه واقع و حقیقت است نه جلوگیری از درك و اصابت به آن) بنظر مواعنی میرسند که قاضی را از تحقیقات بیشتر و رسیدگی عمیق تر باز میدارد و وقتی مطلبی به آنان عرضه میشود که در فهم موضوع و روشن شدن امر کمک مؤثری میباشد گفته میشود که آئین دادرسی یا فلان تبصره قانون اجازه رسیدگی باین مطلب و تحقیقات بیشتر نمیدهد و نتیجه آن يك اشتباه قضائی و صدور يك حکم غلط میشود که گاه بقیمت جان فرد بیگناهی تمام میشود .

جامعه حق دارد که خاطی را تعقیب کرده و گناهکار را کیفر دهد اما حق ندارد بارسیدگیهای مکانیکی و جمع و جور کردن مواد و مقررات حکم محکومیت بیگناهی را صادر کند - همانطور که در سیاست اشتباه جرم است در قضاوت مسامحه و تملل و نقص در رسیدگی و تحقیقات ولو آنکه معلول سوء نیت هم نباشد گناه نا- بخشودنی است . فرد محاکمه میشود نه پرونده و اصول مقررات - فرد باتمام خصوصیات زندگی او - فرد باتمام اوضاع و احوال مخصوص بخود او - فرد با در نظر گرفتن محیط و عواملی که در رشد و تربیت او مؤثر بوده - درست است که افراد بشر از حیث ساختمان اساسی ظاهری و دستگاه های ادامه حیات مثل هم اند - اما درد دنیا دونه که کاملاً از حیث ساختمان دماغی و معرفت الروحی و طرز فکر و اندیشه شبیه هم باشند وجود ندارد - فرد آدمی از کارخانه های استاندار دیزه بیرون نمی آید که يك حکم کلی نسبت بهمه آنان صادق و درست باشد . هر آدم يك واحدی است که باید بخصوصیات او پی برد او را فهمید و سپس درباره او قضاوت کرد و رأی داد - پس حقیقت که درك شد باید با توجه به حقیقت فرد و خصوصیات او قضاوت کرد و رأی داد .

در علم حقوق کلیات و دکترین هائی هست که بسیاری از آنها بصورت مواد شماره دار

در قوانین جزائی بچشم می خورند این کلیات اغلب صحیح و درست اند اما بطور کلی اگر میخواهیم کلیات را با خصوصیات افراد منطبق کنیم بیشتر باید بقسمت دوم اهمیت بدهیم - یعنی خصوصیات افراد مورد نظر و اهمیت قرار بگیرد اگر آن کلیات با این خصوصیات مطابقت کرد اجرای آن صحیح والا ناروا و نابخاست .

برای آنکه فکر خود را به آسانی بیان کنم اجازه بدهید بطور مختصر جریان يك محاکمه را که روی اشتباه و تعجیل منجر بصدور حکم اعدام و اجرای آن گردید بیان کنم و سپس نتیجه بگیرم (۱)

در ۲۷ آوریل سال ۱۷۹۶ میلادی یعنی چند سال پس از انقلاب بزرگ فرانسه که هیجان بی سابقه ای در تاریخ آن کشور پدید آورده بود در راه بین پاریس و لیون به دلبران پست که حامل ۷ میلیون فرانک برای کمک به ارتش ناپلئون که در ایتالیا می جنگید حمله میشود . سورچی و مأمور پست بطرف جیمی کشته شده و پولها بسرقت می رود .

قضیه سرقت پولها و کشته شدن دو نفر سروصدای زیادی برپا کرده تعقیب امر به دادسرا ارجاع و تحقیقات آغاز میشود - از همان ابتدای امر برای مأمورین تحقیق این حقایق روشن شد که پس ازدوبار تعویض اسبها در بین راه در فاصله صد کیلومتری از مبدأ حرکت ۴ نفر اسب سوار بمدان ظهر روز دوم حرکت پست وارد شهر کوچک منتزورن شده در مسافر - خانه کوچکی ناهار خورده و سپس بقهوه خانهای رفته و مانند اشخاص بی کار به بازی پیلارد مشغول شده اند و سپس اسب های خود را سوار شده و به راه خود ادامه داده اند - خبر بعدی از چهار نفر در قصبه لیوسنت است که باز در آنجا هم چای خورده و کمی استراحت می کنند دیگر رد پای آنها گم میشود تا آنکه خبر سرقت پولهای دلبران و کشته شدن سورچی و مأمور پست منتشر میگردد .

تنها مسافر دلبران پستی شخصی بنام لابورد بود که از پاریس بقصبه لیون سوار میشود - روز بمدان واقعه قتل اسب مأمور پست که در یکی از کوچه های پاریس رها شده بود دیده میشود پلیس چنین نتیجه میگیرد که لابورد مسافر دلبران از این اسب استفاده کرده و با چهار نفر شریک خود به پاریس آمده اند پس باید مجرمین در همین شهر مخفی شده باشند .

چند نفر شاهد به پلیس اطلاع می دهند که دیشب چهار اسب که ظاهر آنان بسیار فرسوده و عرق آلود بود بوسیله شخصی بنام ایثن کوریل به طویلای در فلان کوچه هدایت می شود پلیس به تعقیب این شخص برآمد اما از او و اسبها خبری نبود به آدرس دیگری که

(۱) جریان مفصل این محاکمه را آقای رنه فلوریو وکیل مشهور جزائی معاصر فرانسه نوشته که بطور مختصر از روی اسناد و مدارکی که ایشان جمع کرده اند نقل میشود

منزل ریشارد نام بود مراجعه و معلوم میشود آقا با خانمش شب را در این خانه گذرانده ولی بعد از آنجا هم رفته اند و قبل از رسیدن پلیس با اصطلاح معروف مرغ از قفس پریده - ریشاد میگوید آنها بمنزل من آمدند ولی بمقصد شاتو تیری حرکت کردند - پلیس به تعقیب آقای کوریل (پس از توقیف ریشارد) به شاتو تیری می رود و از محل سکونت او اطلاع پیدا کرده و آقا و خانم را در منزل کهبه نام پیدا می کند - کوریل اعتراف به بردن چهار اسب بطویل می کند ولی میگوید شخص ناشناسی آنها را در مقابل مزدی بمن تحویل داد که بطویل بسپارم و از جریان بعدی اطلاع ندارم اما پلیس که به تفتیش و بازرسی چمدانهای کوریل می پردازد مبلغ ۱۷۵۰۴۶۰ فرانک که تقریباً معادل $\frac{1}{5}$ پول سرقت شده از دلیرجان پستی بود بدست می آورد - برای پلیس تردیدی نماند که کوریل یکی از قاتلین و شریک چهار نفری است که مرتکب قتل و سرقت شده اند - او را به پاریس آورده و دست بسته تحویل آقای باز پرس داد سرا میدهند در منزل آقای کهبه که کوریل و زنش توقیف میشوند شخص دیگری بنام گنوت نیز حضور داشت - این شخص میگوید در جریان مسافرت است و برای دیدار دوستش آقای کهبه بمنزل او آمده - پلیس مجوزی برای توقیف او نمی بیند ولی ورقه شناسنامه او را گرفته و می گوید در پاریس از آقای دبانتن باز پرس داد سرا می تواند اوراق هویت خود را پس بگیرد . ۱۴ روز پس از وقوع جنایت گنوت بمعیت دوستی بنام لژورک برای گرفتن اوراق خود به اتاق انتظار آقای باز پرس پاریس می آید از پیشخدمت اجازه ورود می خواهد ولی پیشخدمت می گوید آقای باز پرس دو نفر زن را برای تحقیقات خواسته باید صبر کند تا پس از اتمام بازجویی آنها باز پرس را به بیند - این دو زن کلفت های دو مسافر خانه ای بودند که چهار نفر اسب سوار در آنجا نهار خورده بودند و سپس بقهوه خانه دیگر برای بازی بیلیارد رفته بودند - باز پرس آنان را برای مواجهه با کوریل احضار کرده بود - آنها نشانیهای دقیقی از ۴ نفر اسب سواری که به مسافر خانه های آنان آمده بودند داده و تردیدی نداشتند که اگر آنها را مجدداً به بینند حتماً خواهند شناخت ولی وقتی چشم آنها به دو نفر آقای تازه وارد رسید که در اتاق انتظار باز پرس نشسته شروع کردند به تقلا و نجوا کردن - بالاخره یکی از آنها بلند شده و در گوش پیشخدمت چیزی می گوید مستخدم هم وارد اتاق باز پرس شده و میگوید دو خانم خدمتکاری را که احضار کرده بودید در اتاق انتظار اند - شخصی بنام گنوت هم هست و اوراق خود را میخواهد مرد دیگری هم با گنوت آمده یکی از آنها بمن گفت این دو نفر مرد در عداد همان چهار نفر اسب سوارانی هستند که بمسافر خانه او آمده و تقاضا دارد هر چه زودتر باز پرس را به بیند - باز پرس - نتوانست جلوی خنده تمسخر آمیز خود را بگیرد و زیر لب گفت مضحك نیست که قاتلین پبای خود آمده و در اتاق انتظار باز پرس به نشینند و تقاضای ملاقات کنند تا محاکمه و شاید هم اعدام شوند ؟ در هر حال بگو

داخل شوند .

خدمتکاران در حضور بازپرس همان مطلبی را که به پیشخدمت گفته بودند تکرار کرده و منجزاً اظهار میدارند که این دو نفر را در مسافر خانه بادو نفر دیگری دیده و علاوه آن آقای بلند قد موخرمائی پول غذا را داد و هیچگونه شك و تردیدی ندارد (منظور از آقای بلند قد موخرمائی همان لزورك مردی است که با گنوت آمده) بازپرس ابتدا کوریل را از زندان احضار کرده و بادو خدمتکار مواجهه می دهد هر دوزن باتفاق می گویند بلی این نفر سومی است که با آنها بود - سپس گنوت و لزورك را داخل اتاق خوانده در مواجهه نیز زنان بضرس قاطع می گویند این دو نفری هستند که آنروز در مسافر خانه آمده و مجموعاً ۴ نفر بوده و این آقا هم (اشاره به لزورك) پول غذا را داد .

بازپرس که دو نفر گواه را مرخص می کند و در عین حال که ایمان و اعتقاد زیادی به گفته های آنان ندارد و از خود می پرسد چطور ممکن است قاتلین بپای خود به اتفاق او بیایند ولی ناگزیر به تحقیقات ادامه می دهد - اولین سؤال بازپرس از لزورك این است که برای چه به نزد او آمده ؟ لزورك در کمال سادگی می گوید و یکساعت قبل نزدیکی پل نوبه همشهری و دوست خود گنوت که مدتها بود ندیده بودمش بزخوردم جریان مسافرتش به شاتو تیری و ملاقات خود را در منزل کهبه گفت و اضافه کرد که اوراق هویت او را پلیس گرفته و اکنون نزد بازپرس است از من خواست که بمعیت او آمده و در صحت هویتش گواهی بدهم - من هم با وجود آنکه زیاد گرفتاری دارم برای خدمت به يك دوست قبول کرده آمدم ... بازپرس می پرسد در پاریس چه میکند ؟ وضع مادی زندگی چطور است - ممر عایدی چیست ؟ ...

لزورك : متولد ۱۷۶۳ (۳۳ ساله) دارای عیال سه اولاد - متمکن با ثروت خانوادگی ۱۲ هزار فرانك عایدی سالیانه یکسال است که در پاریس تنها زندگی می کند و بمنظور پیدا کردن يك آپارتمان و اقامت در این شهر آمده - بازپرس هم اکنون نسبت به لزورك مطمئن است : کوریل را می شناخته . با گنوت رفیق بوده - یکسال است بدون کار و زندگی در پاریس میگردد موضوع آپارتمان شاید افسانه ای بیش نیست به تحقیقات ادامه میدهد - روز ۲۸ آوریل کجا بودی ؟

- در پاریس - با چه شخصی - یادم نیست چه دلیلی دارید که در پاریس بودید - همان روز جواهراتی خریدم که حتماً در دفتر جواهر فروشی ثبت است ورقه هویت خود را ارائه دهید . . . متأسفانه ملاحظه میشود که آقای لزورك دارای يك برگ بیمه نامه سفید است یعنی اسم دارنده نوشته نشده و بنا بر این هر اسمی را در موقع ضرورت میتوان نوشت - چرا ؟ جواب قانع کننده ای نمی دهد - بازپرس لزورك و گنوت را توقیف میکند چند روز بعد که بدفتر جواهر فروشی مراجعه میشود دفتر جواهری مخدوش است تاریخ ۲۸ آوریل قلم خورگی

دارد و با جوهر دیگری رقم ۲۸ بجای عددی که قبلاً بود گذاشته شده این بود مجموع دلالی که علیه لزورک بود اما لزورک همانطور که بعدها کشف شد بکلی بی گناه بود متأسفانه این بی گناهی پس از صدور حکم محکومیت و اجرای دادنامه و افتادن سر او در پشت گیوتین معلوم شد .

جریان دادرسی لزورک بطرز عجیب و با شتابزدگی پیشرفت کرد - جرائد آنقدر در اطراف این جنایت قلمفرسائی کرده و محیط را آنچنان عصبانی کرده بودند که تمام سعی داد - رسان در این بود که هر چه زودتر محاکمه به پایان برسد و مجرمین به کیفر قانونی خود برسند وکیل مدافع لزورک مبنای دفاع خود را بروی ۴ مطلب گذاشته بود :

- ۱- لزورک مرد مرفه و ثروتمندی است و معقول نیست چنین آدمی شرافت و حیثیت خود را برای سرقت آنهم چنین سرقتی بخطر بیندازد .
- ۲- چنانچه لزورک در این جنایت شرکت داشت ممکن نبود که بیای خود نزد بازپرس آمده و خود را صاف و ساده تسلیم مقامات قضائی بنماید .
- ۳- لزورک دارای حسن سابقه بوده و در زندگی هیچگونه انحراف و تخلفی از او دیده نشده (۸۰ نفر شاهد برای بیان سوابق لزورک بدادگاه معرفی شدند) .
- ۴- محرز است که در روز واقعه حمله به دلیجان پست لزورک در پاریس بوده و نمی- توانسته عملاً در این جنایت شرکت داشته باشد .

این دلائل در دادگاه مؤثر نشد - راجع به ثروتمند بودن لزورک دادگاه وقت تحقیق نداشت و مطلب در پرده استتار ماند - رئیس دادگاه پولدار بودن متهم را انکار کرد ولی وقتی ۸۰ نفر شاهد گواهی به نفع لزورک در دفتر دادگاه خود را معرفی کردند رئیس دادگاه گفت این متهم باید خیلی ثروتمند باشد که این همه شاهد را خریده است ! رئیس دادگاه به هیئت منصفه میگوید :

معمولاً ارتکاب جنایات را بعهده مستمندان و فقرامی گذارند. اگر این امر در باره جنایات کوچک صحیح است به طور قطع جنایات بزرگ بوسیله ثروتمندان انجام میگردند؟ برای رد ایراد دوم که چگونه لزورک بیای خود به اتاق بازپرسی آمده - رئیس دادگاه چنین استدلال کرد که منظور لزورک ملاقات با کوریل بوده که میدانست آنروز از طرف بازپرس احضار شده - این استدلال بکلی غلط بود چه امکان تماس با چنین متهمی میسر نبود علاوه بر فرض که لزورک به همین منظور به دادسرا آمده بود قطعاً وقتی به آن دوزن برخورد کرد اگر در این جنایت دخالتی داشت با دیدار آنان فوراً از اتاق بازپرسی خارج شده و فرار میکرد نه آنکه مانند بره ای در مقابل سلاخ خانه به انتظار کشته شدن رحل اقامت بیفکند؟ شهود را هم که رئیس دادگاه بمنوان آنکه طبق اظهار ثروت زیادی باختیار دارد و

قطماً گواهان خریدہ شدہ اند مردود دانست ۱ - بالآخرہ رکن چہارم دفاع کہ حضور منہم در پاریس در روز واقعہ ہووہ - وضع بسیار اسف انگیزی رد شد چہ ہمانطور کہ قبلاً بیان کردم متأسفانہ دفتر جواہر فروشی مخدوش بود و قلم خوردگی دفتر کہ مملول علت دیگری بود بحساب تقلب لزورک گذاشتہ شد و این دلیل کاملاً علیہ او بحساب آمد. و با این کیفیت تمام شرایط نحس و اوضاع و احوال شوم برای محکومیت لزورک بیگناہ جمع شدہ بود.

محیط متشنج وقت و ہیاہوی جرائد وسخت گیریہای بی جای رئیس داد گاہ وسرعت در پایان دادرسی از یکطرف. فقدان یک وکیل مدافع وارد وعلاقہ مند از طرف دیگر محاکمہ را بطرزی کہ گفتہ شد پایان رساند. آنچه در داد گاہ گفتہ می شد کہ این دونفر (گنوت ولزورک) فقط شباهت ظاہری بہ دونفر جانی واقعی (ویدال ودبسک) دارند کسی بگفتار آنان گوش نداد. کوریل در ضمن آخرین دفاع گفت آقای رئیس داد گاہ من صراحتاً اعتراف می کنم کہ در این جنایت دست داشتہ و یکی از ۴ نفر قاتلین سورچی ومأمور پست بودم ولی لزورک این شخص کہ با ما محاکمہ می کنید بھیچوجہ در این کار دخالتی نداشتہ وبکلی در موضوع بیگناہ است. یکی از رفقای مادبسک کہ اوہم بلند قد وموخرمائی است بامامکاری کرد وفلامتواری است مرتکب این اشتباہ نشوید چہ لزورک بیگناہ است ونباید فدای گواہی دونفر خدمتکاری کہ صرفاً در شناسائی لزورک اشتباہ کردہ اند بشود.... حکم محکومیت اعدام لزورک وسہ نفر دیگر صادر ومجازات اجرا شد....

از فردای اجرای حکم مسائل ومطالبی پشت سر ہم طرح شد کہ حکایت می کرد از اشتباہ قضائی کہ در بارہ لزورک رخ دادہ است البتہ مقامات مسئول سعی کردند کہ آتش خاموش شود ولی از آنجا کہ حقیقت را باھیچ وسیلہ ای نمی توان برای ہمیشہ مستور کرد کم کم موضوع برملا شد ومرتکب واقعی جنایت (دبسک) کہ لزورک بجای او اعدام شدہ بود دستگیر گردید.

دبسک محاکمہ میشود اما داد گاہ نمیتواند او را بہ عنوان یکی از ۴ نفر جنایتکاران دلیجان پست محکوم نماید چہ در آن قضیہ ۴ نفر متہم بودند و ۴ نفر اعدام شدند چہ مجوز قانونی ا برای اعدام نفر پنجم است. پس اعتبار قضیہ محکوم بها چہ میشود؟ راہی کہ داد گاہ پیدا کرد این بود کہ حکم اعدام دبسک را نہ بمنوان مباشر جرم بلکه بمنوان معاون ودستیار و کمک کنندہ و کسی کہ موجب تسہیل وسائل ارتکاب جرم شدہ باشد صادر نماید. باید قضایا منطبق با مقررات وموازین باشد حالا اصل قضیہ صحیح نیست و غلطکاری در غلطکاری شدہ اشکالی ندارد. اصول ومقررات رعایت شدہ. و بہمین دلیل تقاضای اعادہ حیثیت لزورک کہ پس از حکم محکومیت دبسک دادہ شد رد گردید. ۶ ماہ پس از اجرای حکم دبسک

نامه ای از او بدست آمد که صریحاً نوشته بود - مرتکب جنایت من بودم و لزورك را بدون دلیل بجای من اعدام کردند - با چه اشکالاتی دیوان کشور فرانسه دادخواست اعاده حیثیت لزورك را قبول کرد و دولت جبران خسارات مادی محکوم بیگناه را نسبت به ورثه کرد.

در تاریخ دادگستری فرانسه خاطره محاکمه لزورك برای ارباب فن فراموش نشدنی است و نام او اغلب در دادگاههای جنائی بعنوان نمونه بارز ذکر میشود. مسلماً نه بازپرس قضیه نه دادستان و نه هیئت حاکمه نظر شخصی و غرض خصوصی بامتهم بی گناه نداشتند و چنانچه بطور اختصار بعرض رسید - امارات و قرائن و گواهان که حکایت از توجه اتهام به لزورك بکنند موجود بود. اما حقیقت غیر از آن بود که بیان می شد و متأسفانه عوامل نامرئی که در اطراف این قضیه خودنمایی میکرد تا اندازه ای روی چهره حقیقت پرده استوار کشید. نظیر جریان محاکمه لزورك در سایر کشورهای اروپا و آمریکا دیده شده و میشود و همانطور که قتل نفس جنایتی وحشتناک و تکان دهنده است محکومیت یک فرد بی گناه ولو آنکه محکومیت بکیفر سبکی باشد وحشتناک و غیر قابل گذشت است. راستی بهتر است صد گناهکار تبرئه شوند تا یک نفر بی گناه محکوم گردد.

برای پیش گیری از صدور احکام غلط و ناروا باید آئین دادرسی و اصول و مقررات و مقیاسها و موازین به کمک قاضی برای کشف واقع باشد نه آنکه حقیقت و واقع در لابلای چرخهای مقررات و موازین کوبیده شوند. صبر و حوصله یکی از لوازم اجرای حرفه دادرسی است. کار محاکم نباید آنقدر متراکم باشد که بملت ضیق وقت و کثرت تعداد پروندهها فرصت لازم برای رسیدگی و اصابت بواقع را نداشته باشند اهمیت موضوع ایجاب می کند که در این باب باز هم بطور تفصیل مطالبی نوشته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی